

قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی

فلسفه اندیشی از رابطه سیاست و فضا

نویسنده

دکتر احسان شاکری تفرشی

عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

سرشناسه: لشگری تفرشی، احسان

عنوان و نام پدیدآور: قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی فلسفه‌اندیشی از رابطه سیاست و فضا/ نویسنده

احسان لشگری تفرشی

مشخصات نشر: تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۳۴ص: مصور، جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۱۷-۵-۸: ۲۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه

موضوع: سیاست جغرافیایی

Geopolitics

موضوع: جغرافیای سیاسی

Political geography

موضوع: جهانی شدن - جنبه های سیاسی

موضوع: Globalization—Political aspects

شناسه افزوده: انجمن ژئوپلیتیک ایران

رده بندی کنگره: JC۳۱۹/ش۱۰۰۰

رده بندی دیویی: ۳۰۱/۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۳۱۰۱۶



نام کتاب: قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی فلسفه اندیشی از رابطه سیاست و فضا

نویسنده: احسان لشگری تفرشی

ناشر: انجمن ژئوپلیتیک ایران

چاپ و صحافی: دانشگاه خوارزمی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۱۷-۵-۸

نشانی: تهران، خیابان سمیه، جنب برج سپهر، ساختمان خاقانی ورودی غربی، طبقه ۵- واحد ۴۶ کدپستی

۱۵۷۱۸۳۸۵۴۸

وبسایت: www.iag.ir

تلفن: ۸۸۳۴۲۴۸۸-۸۸۳۲۳۵۲۷

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۸

بخش اول: فلسفه اندیشی از مفهوم سیاست و فضا

فصل اول: مفهوم فضا: جغرافیایی..... ۱۵

۱-۱- مفهوم فضای جغرافیایی..... ۱۵

۲-۱- مکاتب هستی‌شناسی فضا: جغرافیایی..... ۳۱

۳-۱- عناصر و کاردهای (فراندها) فضا..... ۳۷

۴-۱- فلسفه ورود سیاست به فضا..... ۴۶

فصل دوم: سیاست و شاخص‌های آن..... ۵۹

۲-۱- مفهوم سیاست..... ۵۹

۲-۲- انواع ایدئولوژی و تحلیل رابطه سیاست و فضا..... ۶۷

بخش دوم: رابطه قدرت سیاسی و فضای جغرافیایی در سیاست ملی

فصل سوم: حکومت و فضا..... ۱۲۳

مقدمه..... ۱۲۳

۳-۱- سیر تحول حکومت و خاستگاه جغرافیایی آن..... ۱۲۴

۳-۲- فلسفه جغرافیایی حکومت..... ۱۲۶

۳-۳- الگوهای جغرافیایی مدیریت سیاسی فضای سرزمین..... ۱۴۹

- الف- نظام بسیط یا تک ساخت ۱۵۱
- ب- نظام فدرال حکمرانی و آمایش فضا ۱۶۳
- ج- نظام ناحیه‌ای (غیرمتمرکز) ۱۶۵
- ۳-۴- نهادهای محلی و قدرت سیاسی ۱۶۷
- الف- دولت محلی ۱۶۸
- ب- حکومت محلی ۱۷۱
- ۵-۱- تئوری رژیم شهری و ساخت سیاسی فضای شهر ۱۷۴
- ۳-۲- مکراسی و مدیریت فضای جغرافیایی ۱۷۸
- ۶-۲-۱- تعریف جغرافیایی دموکراسی ۱۸۳
- ۶-۳-۲- بایگ دموکراسی و انتخابات در مدیریت فضای سرزمینی ۱۸۶
- ۶-۳-۳- توزیع سیاسی مکراسی جغرافیای سیاسی در جهان ۱۹۴

بخش سوم: مطالعه رابطه سیاست و فضا در مقیاس فراملی

- فصل چهارم: ژئوپلیتیک ۱۹۹
- ۱-۴- مفهوم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک ۱۹۹
- ۲-۴- رهیافت‌های ژئوپلیتیک در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ۲۰۳
- ۳-۴- ویژگیهای ساختاری نظام ژئوپلیتیک جهانی و تداوم رقابت در جهان الملل ۲۲۱
- ۴-۴- مفهوم قدرت در ژئوپلیتیک ۲۳۱
- ۵-۴- مکانها و مناطق استراتژیک با کارکرد رقابت‌افزایی و قدرت‌زایی در مقیاس جهانی ۲۳۵
- فصل پنجم: جهانی شدن و فضای جغرافیایی ۲۴۳
- ۱-۵- مفهوم جهانی شدن ۲۴۳
- ۲-۵- جغرافیای تاریخی جهانی شدن ۲۵۶
- ۳-۵- مفهوم محیط جغرافیایی در فرایند جهانی شدن ۲۶۲

- ۴-۵- جهانی شدن و سکونتگاههای انسانی..... ۲۶۷
- ۴-۵-۱- جهان شهرها..... ۲۷۰
- ۴-۵-۲- جهانی شدن و ظهور طبقه خلاق شهری..... ۲۷۶
- ۵-۵- جهانی شدن، سیاست و فضای جغرافیایی..... ۲۸۴
- ۵-۵-۱- جهانی شدن، سازمانهای سیاسی بین الملل و فضای جغرافیایی..... ۲۸۸
- ۵-۵-۲- جهانی شدن و نیروهای فروملی معارض آن..... ۲۹۲
- ۵-۵-۳- رویکردهای جدید به مرزهای سیاسی کشورها در عصر جهانی شدن..... ۲۹۶
- ۵-۵-۴- آینده حکومت‌های ملی در عصر جهانی شدن..... ۲۹۸
- ۶-۵- جهانی شدن و تغییرات زیست‌محیطی..... ۳۰۱
- ۶-۵-۱- معضلات زیست‌محیطی در عصر جهانی شدن و منازعات نوین..... ۳۰۴
- ۶-۵-۲- جهانی شدن و اثرات جدید اقیانوسی..... ۳۱۴
- منابع..... ۳۱۷

پیشگفتار

در سیر مطالعات علوم جغرافیایی تا دهه ۱۹۶۰ میلادی صرفاً مطالعات اکولوژیک و کمی در علوم جغرافیایی مورد نظر بود. لیکن از دهه ۷۰ میلادی با ورود اندیشه‌های مارکسیستی به جغرافیا و همچنین بروز آشتی‌های فرهنگی - اجتماعی ناشی از تفوق سرمایه‌داری؛ تعدادی از جغرافیدانان از تمرکز بر روش‌های کمی و مطالعات اکولوژیک روی گردان شده و گرایش به سوی تحقیقات کیفی در علوم جغرافیایی در زمینه قدرت، جنسیت، مهاجرت، جهانی شدن و... بیشتر مورد توجه قرار گرفت. کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» دیوید هاروی و همچنین انتشار مجله آنتیپود؛ اولین تغییر جهت‌ها در این زمینه بود که زمینه ساز ورود اندیشه‌های منتقد اثبات‌گرایی به فضای جغرافیایی بود. این در حالی بود که مکاتب مارکسیستی غالباً اقتصاد و روابط حاصل از ایدئولوژی سرمایه‌داری را زیربنای مشکلات و مخاطرات موجود در فضای جغرافیایی می‌دانستند در حالی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی و با ورود اندیشه‌های پسا ساختارگرا و هرمنوتیک به مطالعات علوم جغرافیایی؛ قدرت سیاسی و الگوهای حکمرانی و بطور کلی گفتمان حاکم به مثابه متغیر اصلی شناخت و تغییر فضا قلمداد گردید.

اگرچه سیاست‌دارای تعاریف متعددی می‌باشد و اتفاق نظری در مورد تعریف آن وجود ندارد و از حیث نظری نیز بنظر می‌رسد مفهومی وابسته به

علوم سیاسی باشد. لیکن در علوم جغرافیایی منظور از سیاست پدیده‌ای است که با قدرت، حکومت، اقتدار و به اطاعت وادار کردن دیگران و حاکمیت مرتبط می‌باشد. از آنجائیکه مکان و فضا جغرافیایی متأثر از این قدرت می‌باشد بنابراین مطالعه و برنامه‌ریزی برای مکان و فضا بدون در نظر گرفتن سیاست امکانپذیر نیست. حتی برنامه‌ریزی مکانی - فضایی در ابعاد مختلف بدون اتکا به سیاست اساساً امکان بروز و ظهور ندارد. اصولاً برنامه‌ریزی و آمایش؛ حاصل راهکارها، دستورالعمل‌ها، اولویت‌بندی و انتخاب اصحاب قدرت برای حل مشکلات مکانی - فضایی در ابعاد طبیعی و انسانی مطابق ایدئولوژی آنها می‌باشد. در حقیقت سیر تکامل آن بخش تنها راه غلبه بر مشکلات موجود در فضای جغرافیایی را شامل کنش جمعی - راه‌گامی‌داند و این پدیده تنها در صورت وجود اقتدار و حاکمیت یک طبقه اقلیت را اکثریت افراد جامعه حاصل می‌گردد. البته ممکن است این طبقه اقلیت حاکم، نماینده اکثریت افراد جامعه و برآمده از خواست و اراده آنها باشد و یا نباشد. لیکن مبنای حرکت تعیین آینده مکان و فضا به شمار می‌روند. بنابراین قشربندی و حاکم شدن یک اقلیت بر اکثریت دارای اختیار و قدرت کمتر؛ شرط اصلی ظهور سیاست، قدرت و ضمانت اجرای برنامه‌ها و تغییرات مکانی فضایی می‌باشد. بطور کلی قدرت در فضا، محاسبات و مخاطرات را اولویت‌بندی نموده و وظیفه سازماندهی و انتظام بخشی به فضا و مکان را بر عهده دارد و این فرایند را از طریق مستندات سیاسی همچون قوانین و همچنین چگونگی اختصاص منابع درآمدی شکل می‌دهد. بدین ترتیب تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به مثابه عنصر اصلی تغییرات مکانی فضایی در مطالعات جغرافیایی از کارکردهای اصلی قدرت سیاسی به شمار می‌رود. تصمیم‌گیری در واقع طریقه عمل در مسیری خاص جهت نیل به اهداف تعیین شده بوسیله قدرت سیاسی می‌باشد. اگرچه این فرایند در نظام‌های ایدئولوژیک

سرمایه‌داری غالباً بر مبنای استقرایی و با استفاده از مدل‌ها، تکنیک‌ها و بطور کلی ابزارهای کمی صورت می‌پذیرد. بنابراین اثرگذاری قدرت سیاسی بر فضای جغرافیایی منبعث از وجود اقتدار و حاکمیت است که در درون فضای جغرافیایی کشور و در مقیاس ملی و ناشی از وجود ساختار سیاسی و حکومت و نهادها و مستندات وابسته به آنها می‌باشد که قادر است به آمایش و برنامه‌ریزی فضا در مقیاس ملی بپردازند. مطالعه مواردی همچون مطالعه نقش قدرت سیاسی حاکمیت و دولت با ابعاد طبیعی و انسانی فضا، ارتباط رفتار سیاسی حکومتها با بن‌مایه‌های طبیعی و انسانی فضا، ارتباط ایدئولوژیها و ارزشهای سیاسی فرهنگی با فضای جغرافیایی، نحوه توزیع قدرت در ساختارهای سیاسی یک کشور و اثرات فضایی آن در این راستا قابل ارزیابی می‌باشد. اصولاً برنامه‌ریزی و آمایش فضا به مثابه یک کاربرد علوم جغرافیایی بدون وجود حاکمیت امکان بروز و ظهور ندارد. از این منظر اینکه تصمیم‌گیری و پیش‌بینی برای آینده یک فضا فقط در فضای جغرافیایی یک کشور و در چارچوب مرزهای سرزمینی ظهور می‌یابد. بنابراین مطالعه سیاست و آمایش در مقیاس ملی متفاوت از مطالعه رابطه متقابل آنها در مقیاس فراملی می‌باشد و روش‌شناسی مطالعه این رابطه در این دو مقیاس کاملاً متفاوت می‌باشد. در این مطالعه رابطه متقابل سیاست و فضای جغرافیایی بدون دسته‌بندی فضا به مقیاس ملی و فراملی امکانپذیر نیست. بدیهی است در مقیاس ملی همچنانکه پیشتر ذکر گردید یکی از وجوه بنیادین تجسم قدرت سیاسی در قالب حکومت و نهادهای وابسته به آن تجلی می‌یابد.

در این کتاب کوشش گردیده اثرگذاری و کارکرد قدرت سیاسی حاکم با ابعاد مختلف فضای جغرافیایی و فضاسازی حاصل از تغییر قدرت سیاسی در چارچوب دو مقیاس ملی و فراملی مورد تبیین و ارزیابی قرار گیرد. در این

راستا فلسفه، مصادیق و مقیاس‌های اثرگذاری قدرت سیاسی در فضای جغرافیایی در این دو مقیاس مورد بررسی قرار گرفته است. بدیهی است قلم فرسایی در حوزه‌های مبانی علوم جغرافیایی غالباً متضمن وجود رویکرد و دیدگاه‌های مختلف است که ممکن است در یک اثر به همه آنها بصورت کامل پرداخته نشده باشد. از این جهت انشالله این اثر مورد نقد اساتید و صاحب‌نظران واقع گردد. در پایان لازم است از اساتید محترم گروه جغرافیای دانشگاه یزد در ارائه نظریات برای بهبود محتوای کتاب و همچنین از انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران در چاپ این اثر کمال تشکر را ابراز نمایم.

احسان لشگری تفرشی - بهار ۱۳۹۵